



# اثر حداقل مالیات شرکتی بر فعالیت‌های اقتصادی



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران  
معاونت بررسی‌های اقتصادی





---

تهیه کننده: فروغ کریمی امیرکیاسر

ناظر: عاطفه قاسمیان

واحد گردآوری و تحلیل آمارهای اقتصادی

معاونت بررسی‌های اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

خرداد ۱۴۰۰

---

از طریق ایمیل زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس نمایید:

[economic.tccim@gmail.com](mailto:economic.tccim@gmail.com)

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



## چکیده

در این گزارش، مقاله‌ای که توسط صندوق بین‌المللی پول در رابطه با مشخصات و اثرات حداقل مالیات شرکتی بر فعالیت‌های اقتصادی منتشر شده، مورد بررسی قرار می‌گیرد. حداقل مالیات می‌تواند در کاهش پایه‌های مالیاتی شرکت‌ها و افزایش درک از عدالت سیستم مالیاتی، موثر باشد و به طور بالقوه انگیزه بیشتری برای تمکین مالیاتی ایجاد کند. در مواردی که محدودیت‌های سیاسی و اداری، مانع اصلاح مالیات بر درآمد شرکت‌ها (CIT) می‌شود، حداقل مالیات می‌تواند در راستای کاهش فرسایش پایه ناشی از انگیزه‌های مالیاتی بیش از حد و اجتناب از پرداخت مالیات، کمک کند. در این مقاله، با استفاده از داده‌هایی که تغییرات رژیم‌های حداقل مالیاتی را در طول زمان در سراسر جهان فهرست می‌کند، تجزیه و تحلیل در سطح شرکتی انجام شده که براساس آن معرفی یا اصلاح یک حداقل مالیات با افزایش نرخ موثر مالیاتی بیش از ۱.۵ واحد درصد نسبت به گردش مالی و حدود ۱۰ درصد نسبت به درآمد عملیاتی همراه خواهد بود.



حداقل مالیات می‌تواند در کاهش پایه‌های مالیاتی<sup>۱</sup> شرکت‌ها و افزایش درک از عدالت سیستم مالیاتی، موثر باشد و به طور بالقوه انگیزه بیشتری برای تمکین مالیاتی<sup>۲</sup> ایجاد کند. در مواردی که محدودیت‌های سیاسی و اداری مانع اصلاح مالیات استاندارد بر درآمد شرکت‌ها می‌شود، حداقل مالیات می‌تواند در راستای کاهش فرسایش پایه<sup>۳</sup> ناشی از انگیزه‌های مالیاتی بیش از حد و اجتناب از پرداخت مالیات، کمک کند.

یکی از موضوعات مهم در مالیات‌گذاری بر درآمد شرکتی‌های بین‌المللی، محدود کردن توانایی شرکت‌ها در تخصیص مصنوعی (مجدد) سود به حوزه‌های قضایی<sup>۴</sup> با مالیات کم یا صفر به منظور کاهش بدهی‌های مالیاتی در سراسر جهان است. شرکت‌های چندملیتی (MNEs<sup>۵</sup>) می‌توانند با استفاده از مبادلات درون گروهی، تنظیمات مالی و ساماندهی شرکت‌ها، که برای شرکت‌های محلی در دسترس نیست، از اختلاف در قوانین مالیات داخلی برای جابه‌جایی سود از مرزها و فرسایش پایه‌های مالیاتی داخلی استفاده کنند. فعالیت‌های خاص اجتناب از پرداخت مالیات، شامل قیمت‌گذاری نقل و انتقال - به عنوان مثال، قیمت‌های نسبتاً پایین‌تر برای کالاها و خدماتی که از شعبه‌های شرکتی با مالیات بالا به شعبه‌های با مالیات پایین انتقال پیدا می‌کنند - و استفاده استراتژیک بدهی بین شرکتی - به عنوان مثال، تامین مالی فعالیت‌های شعبه‌های با مالیات بالا با استفاده از بدهی صادر شده توسط شعبه‌های با درآمد پایین - است.

در نتیجه، سیاست‌گذاران به دنبال آن هستند که چشم‌انداز چنین شرکت‌های چندملیتی با درآمد بالا را، که مالیات محلی کم یا صفر بر درآمد شرکتشان پرداخت می‌کنند و بار مالیات بر درآمد شرکتی (CIT<sup>۶</sup>) را بر دوش شرکت‌های محلی (غیر چندملیتی) می‌اندازند، حذف کنند. با این وجود، در عین حال، پاسخ استراتژیک دولت‌ها، محدود کردن درآمدهای حاصل از مالیات بر درآمد شرکت‌ها به جای اعمال فشار نزولی بر نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها به منظور جذب (یا حفظ) سودهای واقعی سرمایه‌گذاری و سود کاغذی بسیار بوده است - اولی بیشتر تحت تاثیر نرخ‌های موثر مالیاتی و دومی تحت تاثیر نرخ‌های قانونی قرار دارد. در نتیجه، نرخ‌های مالیات بر درآمد شرکت‌ها، به طور متوسط از سال ۱۹۸۰، حدود ۲۰ واحد درصد کاهش یافته است.

با این وجود، درآمد حاصل از مالیات بر درآمد شرکت‌ها (CIT) به طور متوسط در طول زمان قابل توجه باقی مانده است. در بعضی از کشورها، به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا، این درآمد حتی با کاهش نرخ‌ها نیز شروع به افزایش کرده است. از

<sup>۱</sup> آنچه که نرخ مالیاتی بر آن اعمال می‌گردد، پایه‌های مالیاتی (Tax Base) نامیده می‌شود.

<sup>۲</sup> تمکین مالیاتی (Tax Compliance) به مفهوم پای‌بندی مؤدیان به تکالیف مالیاتی و رعایت قوانین مالیاتی از سوی آنها است.

<sup>۳</sup> فرسایش پایه (Base Erosion) استفاده از اقدامات مالی و برنامه‌ریزی مالیاتی برای کاهش میزان سود مشمول مالیات یک شرکت در یک کشور است. به نوعی یک استراتژی فرار از مالیات است که با بهره‌برداری از شکاف‌ها و عدم تطابق بین قوانین مالیاتی کشورها منجر به انتقال مصنوعی سود از نقاط با نرخ مالیات بالا به نقاط با نرخ مالیات کم یا معاف از مالیات می‌شود و این امر بیشتر توسط شرکت‌های چندملیتی صورت می‌گیرد.

<sup>۴</sup> حوزه‌های قضایی مالیاتی (tax jurisdictions) به معنی دولت فدرال، ایالتی، محلی یا خارجی است که مالیات، سود یا جریمه‌ها را جمع‌آوری می‌کند.

<sup>۵</sup> Multinational Enterprises

<sup>۶</sup> Corporate Income Tax



اوایل دهه ۱۹۸۰ سهم درآمد حاصل از مالیات بر درآمد شرکت‌ها از تولید ناخالص داخلی در کشورها در همه سطوح درآمدی، رشد چشمگیری داشته است.

حداقل مالیات (MTs<sup>۷</sup>)، با محدود کردن توانایی شرکت‌های چندملیتی در بهره‌برداری از تفاوت در سیستم‌های مالیاتی داخلی، مجدداً به عنوان ابزاری برای کمک به جلوگیری از فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات- به ویژه برای اقتصادهای در حال توسعه- به وجود آمده است. این مالیات‌ها می‌تواند برای آن سیاست‌گزارانی که به دنبال تقویت سیستم‌های مالیاتی و اطمینان از به دست آوردن مقدار مشخصی از درآمد داخلی هستند، یک فرصت باشد. در اقتصادهای در حال توسعه با دولت‌های مالیاتی ضعیف‌تر، مالیات‌گذاری موثر بر این بخش پیچیده و بزرگ مودیان مالیاتی یکی از بزرگترین چالش‌ها خواهد بود. جنوب صحرای آفریقا نیز با تمایل رو به رشدی برای ارائه مشوق‌های مالیاتی و اقدامات ویژه مالیاتی<sup>۸</sup>، به منظور جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به خطر انداختن بی‌طرفی مالیاتی در مشوق‌های تولیدی در آن سوی مرزها و تضعیف بیشتر خاصیت شناوری<sup>۹</sup> مالیات بر درآمد شرکت‌ها، رو به رو بوده است.

### حداقل مالیات چیست؟

همانطور که از نام آن پیداست، حداقل مالیات شرکتی، به منظور تضمین یک کف برای بدهی مالیاتی کسب و کارها طراحی شده است. حداقل مالیات می‌تواند به صورت پرداخت ثابت باشد یا از مجموعه قوانین اصلاح شده‌ای استفاده کند که معمولاً به شکل ساده‌سازی شده سیستم مالیاتی عادی است. حداقل مالیات جایگزین یک مجموعه‌ای از مالیات‌های حداقلی است که تحت رژیم مالیاتی استاندارد، بدهی موازی را برای مودی مالیاتی ایجاد می‌کند که در برخی موارد می‌تواند اختیاری باشد. در مواردی که حداقل مالیات جایگزین همزمان با سیستم مالیات بر درآمد استاندارد اجرا می‌شود، مودی مالیاتی باید بدهی مالیاتی خود را تحت نظام مالیاتی استاندارد و یک نظام مالیاتی موازی محاسبه کند. در این صورت، مبلغ بیشتری قابل پرداخت است. در برخی از کشورها، حداقل مالیات می‌تواند در برابر بدهی مالیات بر درآمد شرکت‌ها قابل اعتبار باشد و در برخی دیگر، حتی اگر شرکت زیان‌ده هم باشد، باید پرداخت شود.

حداقل مالیات‌های شرکتی براساس اینکه مالیات‌گذاری بر درآمد کسب‌وکارها به صورت محلی یا بین‌المللی بوده، متفاوت است. دسته اول حداقل مالیات، توسط کشورهای معرفی شده که مالیات بر درآمد شرکت‌ها در آنها براساس فعالیت‌های داخل مرزی است. از این مورد به عنوان حداقل مالیات محلی (LMT<sup>۱۰</sup>) یاد می‌شود. دسته دوم از حداقل مالیات نیز همان چیزی است که از آن به عنوان حداقل مالیات جهانی (GMT<sup>۱۱</sup>) نام برده می‌شود. این نوع از مالیات مربوط به فعالیت‌های خارجی است، جایی که یک شرکت بین‌المللی داخلی در آنها درآمد یا فعالیت دارد.

<sup>۷</sup> minimum taxes

<sup>۸</sup> special tax treatment

<sup>۹</sup> buoyancy

<sup>۱۰</sup> local minimum tax (LMT)

<sup>۱۱</sup> global minimum tax (GMT)



## پایه حداقل مالیات

انتخاب پایه یکی از مشخصات تعیین‌کننده حداقل مالیات است. این امر می‌تواند با سیستم معمول مالیات بر درآمد شرکت‌ها (CIT) مطابقت داشته باشد، یا در مورد حداقل مالیات جایگزین، شکلی منطقی از آن را ارائه کند. از این لحاظ، در محاسبه درآمد حاصل از حداقل مالیات جایگزین و درآمد حاصل از مالیات عادی در مورد برخورد با کسورات<sup>۱۲</sup> و درآمدها، اختلاف ایجاد می‌شود- ممکن است کسورات کاهش یابد یا درآمد مشمول مالیات، افزایش پیدا کند.

در بیشتر موارد، حداقل مالیات معمولاً از یک پایه ساده‌سازی شده استفاده می‌کند که به راحتی قابل مشاهده است و از استفاده بیش از حد ترجیحات مالی یا تکنیک‌های برنامه‌ریزی مالیاتی جلوگیری می‌کند. پایه‌های ساده‌سازی شده جایگزین که محبوب‌تر نیز هستند، عبارتند از گردش مالی (درآمد یا دریافتی ناخالص)، دارایی‌ها (خالص یا ناخالص) یا یک شکل اصلاح شده درآمد خالص که بواسطه تعداد کسورات یا معافیت‌هایی که مجاز است، با سیستم مالیاتی استاندارد تفاوت دارد.

سادگی گردش مالی به عنوان پایه مالیاتی، می‌تواند معایب مربوط به کارایی و عدالت آن را خنثی کند. در شرایطی که هدف از حداقل مالیات، محدود کردن اجتناب از مالیات و فرار مالیاتی است، گردش مالی، یک پایه مالیاتی ساده را نشان می‌دهد که به راحتی نیز قابل مشاهده است. معایب آن این است که گردش مالی ممکن است پیش‌بینی ضعیفی از سودآوری و توانایی پرداخت را فراهم کند. حداقل مالیات مبتنی بر جریان نقدی، احتمالاً کمتر تحریف‌کننده خواهد بود، زیرا هزینه‌های سرمایه‌گذاری احتمالاً نرخ موثر مالیاتی را کاهش می‌دهد، اما ممکن است برای کسب و کارهای کوچک بسیار پیچیده باشد. گردش مالی و جریان نقدی هر دو در زمان تورم بالا، با مشکل فرسایش پایه همراه هستند؛ مشکلی که حداقل مالیات مبتنی بر دارایی را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد.

حداقل مالیات برای مودیان بزرگ مالیاتی براساس دارایی‌ها یا درآمد مشمول مالیات اصلاح شده، به طور موثرتری با جابه‌جایی سود مقابله می‌کند و به عنوان نماینده مالیات بر درآمد عادی، بهتر عمل می‌کند. حداقل مالیات مبتنی بر دارایی‌های ناخالص کمتر مستعد سوءاستفاده‌های قیمت‌گذاری انتقال است و می‌تواند در زمان جابه‌جایی سود، هنگامی که ادارات مالیاتی فاقد منابع و تخصص کافی هستند، بررسی موثری ارائه دهد. علاوه بر این، یک شکل اصلاح شده از درآمد مشمول مالیات، مستقیم‌ترین و هدفمندترین راهی است که حداقل مالیات می‌تواند استفاده بیش از حد از تنظیمات مالی را محدود کند. دارایی‌ها و درآمد مشمول مالیات اصلاح شده، احتمالاً بهتر از اقدامات صریح مانند گردش مالی، درآمد واقعی اقتصادی را منعکس می‌کند که دارای اثرات سودمند بالقوه‌ای برای بی‌طرفی و عدالت سیستم مالیاتی باشد.

نرخ حداقل مالیات باید به عنوان نماینده‌ای برای نرخ موثر مالیاتی منظور شده در مالیات بر درآمد عادی عمل کند، اما باید نسبتاً در سطح پایین نگه داشته شود (به استثنای حداقل مالیات‌های مبتنی بر درآمد اصلاح شده). نرخ حداقل مالیات مبتنی بر گردش مالی نیز باید نمایانگر بار مالیات بر درآمد شرکت‌ها برای یک شرکت در انتهای پایینی توزیع حاشیه سود خالص

<sup>۱۲</sup> deductions



باشد. به همین ترتیب، نرخ حداقل مالیات مبتنی بر دارایی باید نمایانگر بار مالیاتی عادی یک بنگاه با نرخ بازده کافی برای تامین هزینه سرمایه باشد. با هدف قرار دادن انتهای پایینی طیف احتمالی حاشیه‌های سود و بازگشت سرمایه، حداقل مالیات باید از اعمال تحریف‌های قابل توجه بر سرمایه‌گذاری جلوگیری کند. ممکن است موردی برای افتراق نرخ وجود داشته باشد که در آن حاشیه یا نرخ بازده به طور قابل توجهی بر حسب بخش متفاوت باشد. با این حال، مزایای حاصل از بهبود هدف‌گذاری حداقل مالیات باید در برابر افزایش پیچیدگی و ابهام اجتناب‌ناپذیر در طبقه‌بندی شرکت‌های دارای چندین فعالیت، سنجیده شود.

### ارزیابی اثر حداقل مالیات

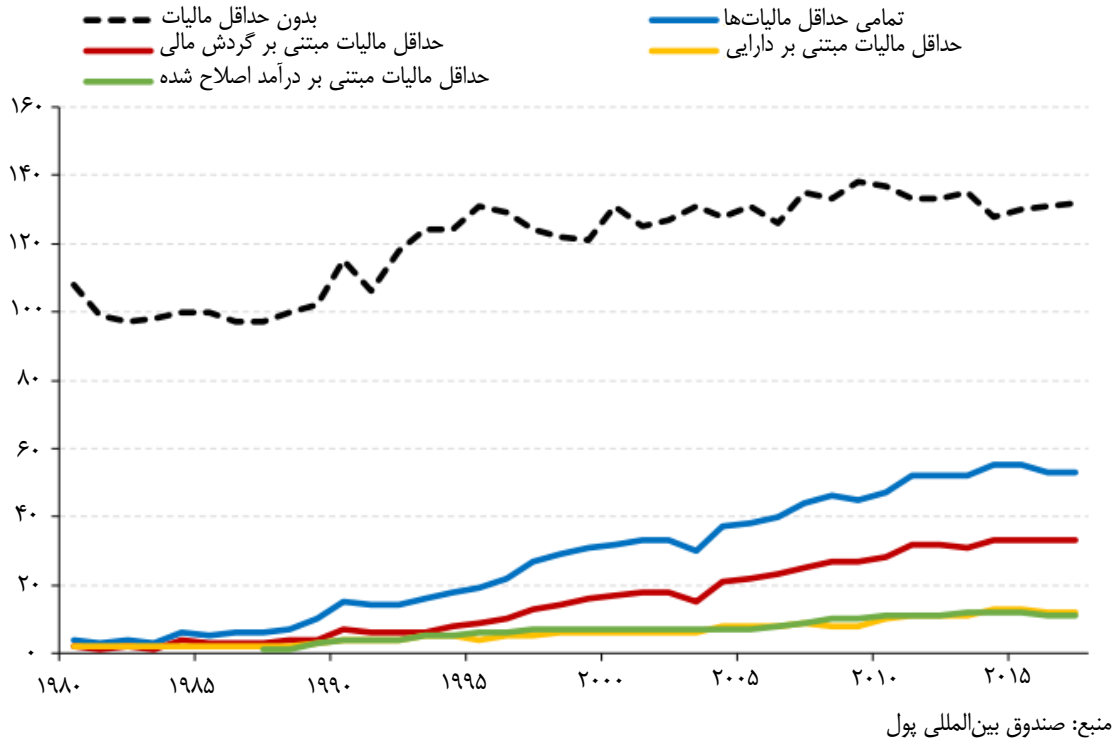
در این مقاله، با استفاده از یک مجموعه داده جدید که حداقل مالیات‌های محلی (LMTs) را در ۱۹۶ کشور، از سال ۱۹۸۰، بر حسب پایه و نرخ مشخص می‌کند، برخی از نکته‌ها در مورد حداقل مالیات مشخص شده است. بررسی‌ها با چند آمار ساده تجمعی در ارتباط با میانگین نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها، در کشورهای بدون حداقل مالیات و کشورهای با انواع مختلف حداقل مالیات، شروع شده است (نمودار ۲). آنچه مشخص است، این است که حداقل مالیات‌های مبتنی بر گردش مالی نه تنها طی سال‌های اخیر محبوب‌ترین هستند، بلکه طی سال‌های گذشته نیز محبوب‌ترین بوده‌اند؛ تعداد کشورهایی که حداقل مالیات مبتنی بر گردش مالی را انتخاب کرده‌اند، بیش از دو برابر کشورهایی است که سایر اشکال حداقل مالیات را در نظر گرفته‌اند (نمودار ۱).

همچنین براساس مشاهدات به نظر می‌رسد نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها در کشورهای با حداقل مالیات، به طور متوسط بالاتر باشد (نمودار ۲). نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها در کشورهای دارای حداقل مالیات مبتنی بر گردش مالی نیز به طور متوسط بالاترین است، این در حالی است که کشورهای با پایه‌های مالیاتی اصلاح شده- که ممکن است از پایه استاندارد مالیات بر درآمد شرکت‌ها فاصله زیادی نداشته باشد- به نرخ مالیات بر درآمد شرکتی کشورهای بدون حداقل مالیات نزدیک‌تر است.

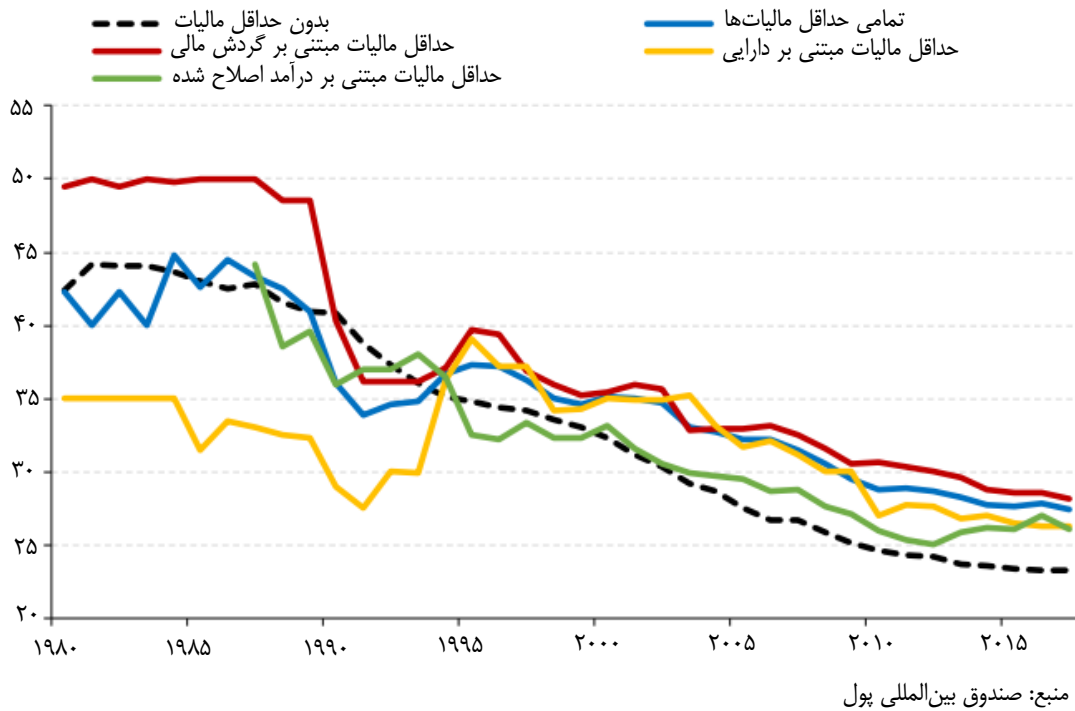
در نمودار ۳، متوسط درآمدهای حاصل از مالیات بر درآمد شرکت‌ها در کشورهای با اشکال گوناگون حداقل مالیات، مورد بررسی قرار گرفته است. از سال ۲۰۰۰، تنها کشورهایی که حداقل مالیات مبتنی بر گردش مالی دارند، نسبت به آنهایی که حداقل مالیات ندارند، عملکرد بالاتری داشته‌اند و به طور متوسط درآمدهای ناشی از مالیات بر درآمد شرکتی، تا حدود یک واحد درصد تولید ناخالص داخلی بیشتر بوده است. با این وجود، کشورهایی که حداقل مالیات مبتنی بر دارایی را دارند، به طور گسترده عملکردی موازی با کشورهایی داشته‌اند که حداقل مالیات نداشته‌اند (صرفاً به تازگی، عملکرد کمی بهتری داشته‌اند)، این در حالی است که کشورهای با حداقل مالیات مبتنی بر درآمد اصلاح شده از نظر درآمد مالیاتی عملکرد بهتری داشته‌اند.



### نمودار ۱- تعداد کشورهای با یا بدون حداقل مالیات



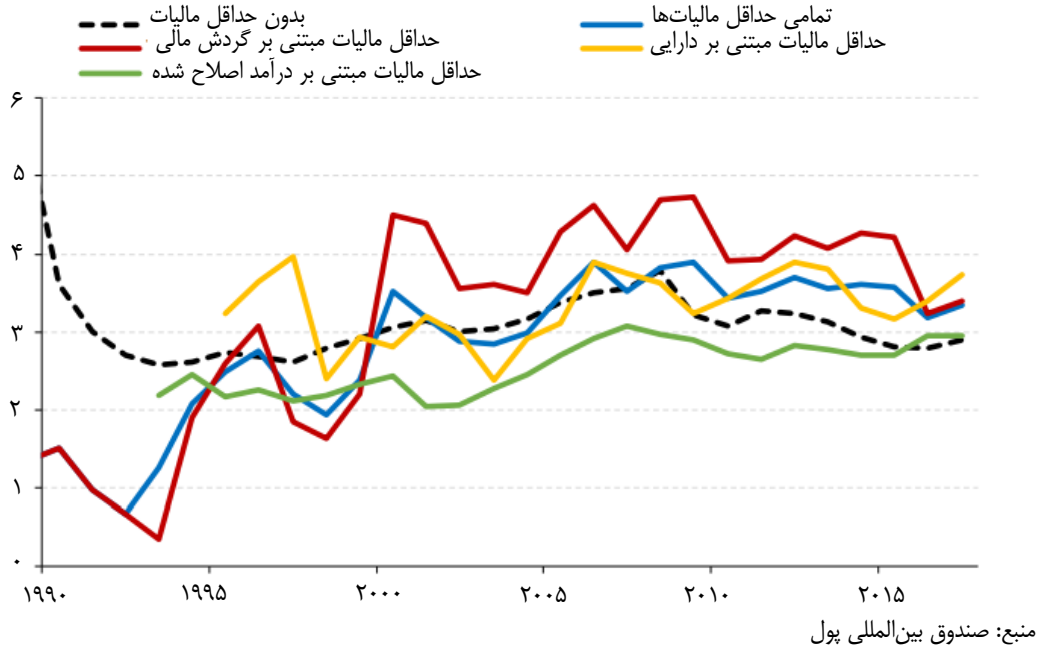
### نمودار ۲- میانگین نرخ مالیات بر درآمد شرکتی در کشورهای با یا بدون حداقل مالیات







نمودار ۳- متوسط درآمدهای حاصل از مالیات بر درآمد شرکتی در کشورهای با یا بدون حداقل مالیات  
(درصد از تولید ناخالص داخلی)



براساس بررسی‌های آماری، داده‌های در سطح شرکتی نشان می‌دهد که معرفی حداقل حقوق، منجر به افزایش بیش از ۱.۵ واحد درصدی میانگین نرخ موثر مالیات شرکتی شده است، بدون اینکه هیچ اثر مخربی بر متوسط سرمایه‌گذاری در سطح شرکتی یا اشتغال داشته باشد. به نظر می‌رسد به ترتیب حداقل مالیات مبتنی بر درآمد اصلاح شده و حداقل مالیات مبتنی بر دارایی و گردش مالی، در افزایش میانگین نرخ موثر مالیاتی بسیار موثر هستند.